

بررسی ساختار فعل در گویش تاتی درو

دکتر محمد آهی^۱

رویا سیفی^۲

چکیده

گویش درو جزء گویش‌های شمال غرب ایران محسوب می‌شود. که در روستای درو که در منطقه خلخال بخش شاهرود واقع شده است بدان تکلم می‌شود. در این مقاله، ساختار فعل این گویش مورد بررسی قرار گرفت و مشخص شد که فعل در این گویش دارای مقوله‌های زیر است: شخص، شمار، وجه، باب، نمود، گذر و زمان. نشانه شخص و شمار در هر فعل همان شناسه فعل است که بیشتر همراه فعل می‌آید در گویش درو وجه اخباری، امری، التزامی و تمنایی وجود دارد همچنین فعل دارای نمودهای ساده، استمراری، نقلی و آغازی است. فعل‌ها در این گویش گذرا یا ناگذر و سببی هستند. ماضی گذرا در بیشتر زمان‌ها دارای ساخت ارگاتیو است. ماده سببی بیشتر از ریشه قوی و در تعداد معدودی با ریشه ضعیف بعضی افعال ساخته می‌شود. گویش درو دارای دو وجه معلوم و مجهول است. فعل معلوم نشانه خاصی ندارد. فعل مجهول با استفاده از ماده مجهول ساخته می‌شود. در گویش درو فعل در دو زمان حال و گذشته صرف می‌شود این گویش ساخت ویژه‌ای برای بیان آینده ندارد و از زمان مضارع اخباری برای بیان آینده استفاده می‌شود.

کلمات کلیدی: گویش درو، ساخت فعل، ساخت ارگاتیو، زمان آینده

مقدمه:

درو یکی از روستاهای بزرگ بخش شاهرود خلخال است روستای درو در سی کیلومتری جنوب شرقی خلخال و در ۴ کیلومتری شمال غربی بخش کلور قرار دارد. ارتفاع این روستا از سطح دریا ۵۹۰ متر است. این روستا در طول جغرافیایی ۴۸،۴۲ درجه و عرض جغرافیایی ۳۷،۲۵ درجه قرار دارد. از نظر موقعیت جغرافیایی کوه آرنارو در جنوب، کوه آسمه جالدر شمال غرب، دیه دره در غرب، آوه دره در شمال شرق و خانقاه دره در جنوب و جنوب غرب روستا قرار دارند. بر اساس سرشماری سال ۱۳۸۵، جمعیت کل روستای درو ۵۶۷ نفر است که حدود ۵۹٪ را زنان و ۴۱٪ را مردان تشکیل می‌دهند. و ۶۴٪ از جمعیت روستا باسواد هستند.

مردمان این روستا به گویشی تکلم می‌کنند که از گویش‌های شمال غرب ایران است. و جزء گویش‌های آذری شمال شرقی محسوب می‌شود. که در روستای درو در بخش شاهرود شهرستان خلخال استان اردبیل رواج دارد. این گویش به خاطر گسترش آموزش همگانی و وسایل ارتباط جمعی در معرض نابودی قرار دارد. بسیاری از مردمان این روستا به دلایل مختلف همچون نبود اشتغال، شرایط سخت زندگی، فقر اقتصادی و برای ادامه تحصیل از روستا به شهرهای دیگر مهاجرت می‌کنند. و زبان محلی خود را دیگر به کار نمی‌گیرند. و این گویش در معرض نابودی قرار دارد. زیرا که دیگر نسل جدید به این گویش سخن نمی‌گویند. و این گویش جای خود را به زبان ترکی رایج در منطقه آذربایجان می‌دهد. از این جهت گردآوری و توصیف علمی این گویش کار بسیار ضروری به نظر می‌رسد.

^۱ - استادیار گروه ادبیات فارسی دانشگاه بوعلی سینا-همدان

^۲ - دانش‌آموخته کارشناسی ارشد زبان‌های باستانی

۱- تعریف فعل:

فعل قسمتی از سخن است که در نحو مفهوم یک عمل یا وضعیتی را تداعی می‌کند. و یا وقوع یک حرکتی را بیان می‌کند. در بیشتر زبان‌ها فعل شامل زمان، نمود، وجه، شخص و شمار است. در تعدادی از زبان‌ها ممکن است فعل از نظر شخص با شخص با فاعل یا مفعول جمله و جنسیت آن مطابقت کند (انوری، احمدی گیوی، ۱۳۷۰: ۱۲۳).

۲- ریشه فعل (verb root):

ریشه جزئی است که میان لغت‌های تشکیل دهنده یک خانواده لغوی مشترک است و معنی اصلی آن لغت‌ها را در بر دارد (ابوالقاسمی، ۱۳۸۳: ۱۴۶). در گویش درو ریشه افعال در مواردی قابل شناسایی است و دو صورت دارد: ضعیف و قوی. ریشه ضعیف در گویش درو صورتی از ریشه است که /-â-/ ندارد و ریشه قوی صورتی است که /-â-/ دارد. از ریشه قوی غالباً برای ساخت فعل‌های سببی و از ریشه ضعیف برای فعل‌های مجهول و ناگذر و گاهی هم برای ساخت فعل واداری استفاده می‌شود. در زیر نمونه‌هایی از ریشه ضعیف و قوی گویش درو ذکر می‌شود

ریشه ضعیف	ریشه قوی
گشتن	gard-əs(t)-en/an گرداندن
رسیدن	ras-əs(t)-en/an رساندن
ترسیدن	tars-əs(t)-en/an ترساند

۳- ماده فعل (verb stem):

در هر فعل جز ثابتی وجود دارد که معنی اصلی فعل را در بر دارد. به این بخش ماده فعل می‌گویند ماده با افزودن جزئی به ریشه که در اساس برای افزودن معنی جدید به آن بوده، ساخته می‌شود. در گویش درو دو ماده فعلی وجود دارد. ماده مضارع و ماده ماضی. ماده‌های جعلی، مجهول و سببی از روی ماده مضارع ساخته می‌شوند.

۳-۱- ماده مضارع (present stem):

ماده مضارع جزء ثابت فعل در ساخت‌های مضارع اخباری، مضارع التزامی، مضارع تمنایی، مضارع مستمر، ماضی استمراری تمنایی، ماضی استمراری، ماضی مستمر، امر و صفت فاعلی است، نشانه‌های ویژه ماده مضارع در گویش درو /-n-/ و /-nj-/ هستند در گویش درو ماده‌های مضارع یا بازمانده یکی از صورت‌های ماده مضارع در ایرانی باستان هستند یا اسم به عنوان ماده مضارع قرار می‌گیرد.

zæn	zan	za-en	زدن
væs	vəsæn	vəsəs-en	پاره کردن

به دلیل اینکه ماده‌های جعلی، مجهول و سببی از روی ماده مضارع ساخته می‌شوند. در این بخش به آنها پرداخته می‌شود:

۳-۱-۱- ماده جعلی (fake stem):

ماده جعلی از اسم، صفت یا حتی حرف اضافه ساخته شده است. ماده ماضی جعلی، دو نشانه عمده دارد: /-i-/ و /-st-/. نشانه دوم در درو، ضمن آنکه کاربرد گسترده‌تری دارد، بیشتر با واکه میانجی -ə- همراه است که بین ریشه یا ماده مضارع و افزونه ماده‌ساز قرار می‌گیرند این ماده بسیار پرکاربرد است و از اسم یا صفت ساخته می‌شود:

larz-əs-en	لرزیدن	fam-es-en	فهمیدن
------------	--------	-----------	--------

۳-۱-۲- ماده مجهول (passive stem):

ماده مجهول جزء ثابت فعل‌های مجهول است. ماده مجهول در گویش درو از ماده مضارع به همراه وند /-i-/ ساخته می‌شود و برای ساخت مجهول مضارع و بعضی از فعل‌های ناگذر مضارع به کار می‌رود. فعل مجهول ماضی از ماده مجهول مضارع و پسوند‌های ماضی‌ساز ساخته می‌شود و برای ساخت فعل‌های مجهول ماضی و بعضی از فعل‌های ناگذر به کار می‌رود.

<i>bə-kan-is-</i>	کنده شد	<i>kan-i-</i>	کنده می‌شود
<i>bə-zar-is-</i>	پاره شد	<i>zar-i-</i>	پاره می‌شود

از ماده مجهول در ساخت صفت مفعولی نیز استفاده می‌شود:

<i>vāj-isa</i>	گفته شده	<i>bər-isa</i>	بریده شده
----------------	----------	----------------	-----------

۳-۱-۳- ماده سببی (causative stem):

ماده سببی در گویش درو به دو روش ساخته می‌شود:

(۱) با استفاده از نوعی گردش مصوت. در گویش درو با نوعی گردش مصوت از -a- به -â- فعل واداری به دست می‌آید

(۲) با استفاده از: وندهای سببی *-ân, -ən, -âvən* (از *-aya-na-** ایرانی باستان):

در گویش درو وندهای سببی دو دسته‌اند: الف: ریشه قوی + *-ân/-(-ə)n*؛ ب: ریشه ضعیف + *âvən*

لرزاندن *lârz-ân-s-en/an* لرزیدن *larz-əs-en/an*

فراری دادن *ji-vâz-ən-əs(t)en/an* فرار کردن، جهیدن *ji-vašt-en/an*

ب: ریشه ضعیف *âvən*:

دل سرد کردن *âsrang-âvən-əs-en* *âsrang-əs-en*

خندانیدن *xur-âvən-əs-en/an* *xur-əs-en*

کاربرد هر دو روش دارای قاعده خاصی نیست، تعداد فعل‌هایی که با روش دوم (باوند *-âvən*)، سببی می‌شوند، اندک هستند.

۳-۲-۴- ماده ماضی (past stem)

ماده ماضی جزء ثابت فعل در ساخت‌های زمان ماضی (به غیر از ماضی استمراری، ماضی استمراری تمثالی و ماضی مستمر)، صفت مفعولی و مصدر است.

ماده ماضی از ریشه فعل و پسوندهای ماضی ساز *-d, -t, -i, -Ø, -s/ss/s* ساخته می‌شود، ساخت اصلی ماده ماضی با پسوند *-d, -t* (باقی مانده از پسوند صفت مفعولی */*-ta*/ایرانی باستان) است، و ساخت‌های دیگر که امروزه بیشتر استفاده می‌شود، ثانوی یا ماده جعلی محسوب می‌شوند. ماده ماضی جعلی در گویش درو، کاربرد گسترده‌تری دارد.

در اینجا نمونه‌هایی از ماده‌های ماضی اصلی (مختوم به *-t/-d*) گویش درو را می‌آوریم البته، شمار این ماده‌ها در این گویش، محدود است.

الف) ماده‌های ماضی مختوم به */-t*:

<i>nəš-t</i>	<i>nəš</i>	<i>nəšt-en/an</i>	نشستن
<i>kuš-t</i>	<i>kuš</i>	<i>kušt-an</i>	کشتن
<i>tâš-t</i>	<i>tâš</i>	<i>tâšt-an</i>	تراشیدن

ب) ماده‌های ماضی مختوم به */-d*:

<i>bar-d</i>	<i>bar</i>	<i>bard-en</i>	بردن
--------------	------------	----------------	------

ج) ماده‌های ماضی جعلی:

ماده‌های ماضی جعلی با افزودن نشانه‌هایی به آخر ماده مضارع و برخی اسم‌ها و صفت‌ها ساخته می‌شوند. این نشانه‌ها عبارت‌اند از *-st* (و گونه‌های آن) و *-i* که به شرح زیر شواهدی از ماده‌های جعلی در گویش درو ذکر می‌شود.

۱- نشانه /-ss/ :

این وند ماده ساز اغلب به ریشه‌هایی ملحق می‌شود که مختوم به واکه باشند. همهٔ مواردی که به /-s/ ختم می‌شود، در اصل مختوم به /-st/ بوده است، با گذشت زمان، /s/ و /t/ در هم ادغام شده، /-st/ ابتدا به /-ss/ و سپس به /-s/ بدل شده است.

kuss *ku* *kuss-en/an* کوبیدن

۲- نشانه /-əs/ :

â-ləgân-əs *â-ləgân* *â-ləgânəs-en/an* آویزان کردن

۳- نشانه /-s/ :

bəy-s *bəy* *bəys-en* منجمد شدن، یخ بستن

۴- /-t/ : از این نشانه، شواهد معدودی در گویش درو وجود دارد:

bər *bəri* *bəri-[y]-en* بریدن

۴- ساختمان فعل :

فعل از نظر ساختمان به سه دسته تقسیم می‌شود:

۱- فعل ساده (simple verb)

فعل‌های ساده از مادهٔ ماضی و علامت مصدری ساخته شده‌اند و عنصر دیگری در ترکیب آنها یافت نمی‌شود:

bard-en/an بردن

۲- فعل پیشوندی (prefixal verb)

فعل‌های پیشوندی از مادهٔ ماضی و یک پیشوند فعلی ساخته می‌شوند.

â-kard-en باز کردن

ji-bi[y]-an زیر چیزی بودن

۳- فعل مرکب (compound verb)

فعل‌های مرکب از ترکیب اسم، صفت یا قید، با شکل ساده و یا پیشوندی فعل‌هایی همانند: *kard-en/an* (کردن)، *bi-*

(â-)-en/yan (بودن / شدن)، *za-en/ziyan* (زدن)، *gat-en/an* (گرفتن) و ... ساخته می‌شوند:

garm â-karde/an گرم کردن

var â-dâ-[y]-en/an رها کردن

âv â-gat-en /an آب کشیدن

۵- مصدر (infinitive)

مصدر در گویش درو از مادهٔ ماضی و علامت مصدری ساخته می‌شود. علامت مصدری در این گویش: *[y]en* - (و نیز *-n*). *-n*

و *[y]en* - گاهی به ماده‌هایی ملحق می‌شود که مختوم به واکه بلند باشند:

-(y)en / (y)an *ši* *ši-[y]en/an* رفتن

-en/an *bə-raməs* *bəraməs-en/an* گریه کردن

-en/an *kus* *kuss-en/an* کوبیدن

فعل در گویش درو دارای مقوله‌های زیر است: شخص شماره، وجه، باب، نمود، گذر، زمان.

۱- شخص و شمار:

نشانه شخص و شمار در هر فعل همان شناسه فعل است که بیشتر همراه فعل می‌آید به جزء در مواردی که فعل دارای ساخت ارگاتیو است. که در آن صورت شناسه فعلی ضمیر متصل در حالت غیر فاعلی است که در صورت نبود دیگر اجزای جمله همراه فعل می‌آید و در غیر این صورت به اجزاء دیگر جمله همانند مفعول، متمم، قید و غیره متصل می‌شود. این شناسه‌ها نشان دهنده سه شخص: گوینده (اول شخص)، شنونده (دوم شخص) و دیگری (سوم شخص) و دو شمار مفرد و جمع است. گاه نبود شناسه خود نشانه شخص و شمار است برای مثال در فعل امر دوم شخص مفرد شناسه صفر است.

۴-۸- وجه فعل

ویژگی وجه تلقی گوینده از سخن را بیان می‌کند (ناتل خانلری، ۱۳۷۳: ۵۲). در گویش درو وجه اخباری، امری، التزامی و تمنایی وجود دارد. در زیر هریک از ساخت‌های مختلف با وجه مورد نظر ذکر شده است. مثال‌هایی از هر کدام با وند مورد نظر در بخش «وند وجه» آمده است.

۴-۸-۱- وجه اخباری

فعل هنگامی در وجه اخباری به کار می‌رود که وقوع آن قطعی باشد (ناتل خانلری، همان منبع: ۵۳). این وجه هفت زمان فعلی را در گویش درو شامل می‌شود. ماضی مطلق، ماضی نقلی، ماضی بعید، ماضی استمراری، ماضی مستمر، مضارع اخباری و مضارع مستمر.

۴-۸-۲- وجه تمنایی

وجه تمنایی بیان کننده آرزو و درخواست است. در این گویش این وجه پنج زمان را شامل می‌شود: ماضی استمراری تمنایی، ماضی تمنایی، ماضی نقلی غیر محقق (تمنایی)، ماضی بعید نقلی تمنایی و مضارع تمنایی (سبزعلی‌پور، ۱۳۸۸: ۱۹۲).

۴-۸-۳- وجه التزامی

وجه التزامی برای بیان عملی به کار می‌رود که وقوع آن قطعی نبوده و از دبد گوینده با تردید، الزام، امیدواری و غیره همراه باشد (ناتل خانلری، همان منبع: ۵۳). در این گویش ماضی التزامی، مضارع التزامی دارای وجه التزامی‌اند.

۴-۸-۴- وجه امری

هرگاه معنای جمله حاوی دستور، خواهش یا توصیه‌ای باشد فعل از وجه امری است (وحیدیان کامیار، عمرانی، ۱۳۷۹: ۶۸). فعل امر و نهی در گویش درو دارای وجه امری هستند.

۴-۹- نمود فعل

ویژگی نمود نشان می‌دهد که فعل در گذر زمان چگونه انجام گرفته است و وحیدیان کامیار، عمرانی، همان منبع: ۶۴. در گویش درو فعل دارای نمودهای ساده، استمراری، نقلی و مستمر است.

۴-۹-۱- نمود ساده (simple aspect)

نمود ساده نشان می‌دهد که فعل در یک نقطه از زمان انجام گرفته است (ابوالقاسمی، ۱۳۷۵: ۱۱۸). فعل‌های ماضی ساده، ماضی تمنایی، ماضی التزامی، مضارع اخباری، مضارع تمنایی، مضارع التزامی و فعل امر نمود ساده دارند.

۴-۹-۲- نمود استمراری (progressive aspect)

نمود استمراری نشان می‌دهد که فعل در یک دوره زمانی در حال یا گذشته استمرار داشته است. (ابوالقاسمی، همان منبع: ۱۱۸) ساخت‌های مضارع مستمر، ماضی مستمر، ماضی استمراری و ماضی تمنایی دارای نمود استمراری هستند.

۳-۹-۴- نمود نقلی (perfect aspect)

در نمود نقلی عمل فعل به طور کامل انجام گرفته و تمام شده است.

۴-۹-۴- نمود آغازی (inchoative aspect)

نمود آغازی نشان می دهد که فعل در یک دوره زمانی گذشته یا حال در حال انجام بوده است. (انوری، احمدی گیوی، ۱۳۷۰: ۳۸). نمود آغازی وند خاصی ندارد اما افعال شبه‌معین خاصی رایج‌اند که معنای آغازی را به فعل می‌افزایند (← فعل‌های شبه‌معین). در دروی از ترکیب ماضی مطلق فعل *pe-gat-en* «برداشتن» با مصدر فعل اصلی، ساخت آغازی به دست می‌آید:

pe-gat-əš dru-en.

شروع کرد به درو کردن.

pe-gat-ə-mân sæg e-dâšt-en.

شروع کردیم به سنگ پرانی.

۱۰-۴- گذر:

ویژگی فعل را در نیاز داشتن به مفعول به معنای عام شامل انواع متمم بیان می‌کند بر این اساس فعل‌ها در این گویش گذر یا ناگذر و سببی هستند. فعل ناگذر تنها به نهاد نیاز دارد و فعل گذرا به مفعول هم نیاز دارد. و فعل سببی علاوه بر نهاد و مفعول به متمم نیز نیاز دارد. (ابوالقاسمی، همان منبع: ۱۱۸). نکته بسیار مهم که در مورد فعل ماضی گذرا وجود دارد این است که در بیشتر زمان‌ها دارای ساخت ارگاتیو است. اصطلاح ارگاتیو به پدیده‌ای اشاره می‌کند که در آن مفعول فعل متعدی همانند فعل فاعل لازم عمل می‌کند. و فاعل فعل متعدی صورتی متفاوت از آن دو دارد. یعنی مفعول فعل متعدی فاعل منطقی جمله است و حالتی غیر فاعلی دارد. و فعل از نظر شناسه با مفعول جمله (فاعل دستوری) مطابقت دارد. (Payne, 1995). فعل سببی علاوه بر مفعول به متمم نیز نیاز دارد. ماده سببی بیشتر از ریشه قوی ودر تعداد معدودی با ریشه ضعیف بعضی افعال ساخته می‌شود.

صرف فعل از ماده سببی مضارع اخباری */gârd-ân-əs-en/*

gârd-ân-əm

می‌گردانم

gârd-ân-i

می‌گردانی

gârd-ân-ə

می‌گرداند

gârd-ân-am

می‌گردانیم

gârd-ân-a

می‌گردانید

gârd-ân-əndə

می‌گردانند

۱۱-۴- باب (mood):

ارتباط بین نقش معنایی و نقش نحوی فاعل را با فعل نشان می‌دهد. اگر فاعل دستوری جمله انجام دهنده فعل باشد. فعل جمله معلوم است و اگر فاعل جمله پذیرنده عمل باشد فعل جمله مجهول است. و اگر فاعل جمله هم انجام دهنده و هم پذیرنده عمل باشد فعل از باب میانه است. گویش درو دارای دو باب معلوم و مجهول است. فعل معلوم نشانه خاصی ندارد.

۱-۱۱-۴- فعل مجهول (passive verb)

فعل مجهول به روش زیر ساخته می‌شود:

الف: با استفاده از ماده مجهول؛

همان گونه که در بحث ماده مجهول گذشت، ماده مجهول از ترکیب ماده مضارع + وند خاص مجهول: *-î* ساخته می‌شود.

برای ساختن مضارع مجهول، از ماده مجهول مضارع و شناسه‌های مضارع استفاده می‌شود:

pe-zar-i

پاره می‌شود

برای ساختن مجهول ماضی از وند تصریفی -b(v) به اضافه ماده مجهول مضارع و شناسه‌های ماضی استفاده می‌شود:
pe-zar-isa پاره شده است

فعل مجهول در بیشتر ساخت‌ها به کار می‌رود، در جدول زیر نمونه‌هایی از فعل مجهول در ساخت‌های مختلف آمده است:

فعل	معنی	ساخت
<i>pej'-i</i>	پخته می‌شود	مضارع اخباری
<i>bə-pej-is</i>	پخته شد	ماضی ساده
<i>pej-is-a bə</i>	پخته شده بود	ماضی بعید
<i>pej-is-a</i>	پخته شده است	ماضی نقلی
<i>pej-i'</i>	می‌پخت	ماضی استمراری

ماضی استمراری مجهول و مضارع اخباری مجهول در سوم شخص مفرد تفاوتی در ظاهر با هم ندارند و جایگاه تکیه آنها را از هم مشخص می‌کند. بدین صورت که در ماضی استمراری سوم شخص مفرد تکیه روی هجا آخر یا همان وند استمراری است، در مضارع تکیه روی هجای اول یا ماده فعلی است.



səj-i'

səj'-i

سوخته می‌شد

سوخته می‌شود

۴-۱۲- زمان فعل (verb tense) :

در گویش درو فعل در دو زمان حال و گذشته صرف می‌شود. فعل‌های زمان حال با ماده مضارع صرف می‌شوند و فعل‌های زمان گذشته تعدادی با ماده ماضی صرف می‌شوند و تعدادی دیگر با ماده مضارع صرف می‌شوند. این گویش ساخت ویژه‌ای برای بیان آینده ندارد و از زمان مضارع اخباری برای بیان آینده استفاده می‌شود.

۴-۱۳- صرف فعل‌های گویش درو:

۴-۱۳-۱- مضارع اخباری (indicative present) :

روش ساخت مضارع اخباری: ماده مضارع + شناسه‌های مضارع.
 صرف فعل ناگذر

<i>nəš-ə-m</i>	می‌نشینم
<i>nəš-i</i>	می‌نشینی
<i>nəš-ə</i>	می‌نشیند
<i>nəš-am</i>	می‌نشینیم
<i>nəš-a</i>	می‌نشینید
<i>nəš-ə- n(də)</i>	می‌نشینند

صرف فعل گذرا «بردن» از مصدر /bard-en/

az Hasan-ə bar-im ka.

tə Hasan-ə bar-I ka.

a Hasan-ə bar-ə ka.

ama Hasan-ə bar-am ka.

šəma Hasan-ə bar-a ka.

avun Hasan-ə bar-əndə ka.

من حسن را به خانه می‌برم.

تو حسن را به خانه می‌بری.

او حسن را به خانه می‌برد.

ما حسن را به خانه می‌بریم.

شما حسن را به خانه می‌برید.

آنها حسن را به خانه بردند.

برای منفی کردن این ساخت، وند نفی-(θ) قبل از ماده مضارع می‌آید و بین فعل ساده، پیشوندی و ترکیبی تفاوتی وجود ندارد،

<i>nə bar-əndə</i>	نمی‌برند
<i>e-nə-š-um</i>	نمی‌روم پایین
<i>â-nə-kar-a</i>	باز نمی‌کنید

۴-۱۳-۲- مضارع تمنایی (شرطی) (optative present)

این ساخت بیشتر برای بیان آرزو، خواست، دعا، شک، تردید، تمنا، نفرین و شرط به کار می‌رود، برای بیان آینده هم، گاه از این ساخت استفاده می‌شود. مواقعی بین دو ساخت مضارع تمنایی و مضارع التزامی در معنا تفاوتی وجود ندارد و به جای هم به کار می‌روند.

روش ساخت مضارع تمنایی: وند وجه -(v)b + ماده مضارع + شناسه‌های تمنایی.

<i>bə-nəš-â-m</i>	بنشینم
<i>bə-nəš-â-š</i>	بنشینی
<i>bə-nəš-â</i>	بنشیند
<i>bə-nəš-â-mân</i>	بنشینیم
<i>bə-nəš-â-rân</i>	بنشینید
<i>bə-nəš-ân(də)</i>	بنشینند

مضارع تمنایی گذرا

<i>agar az Hasan-ə bə-bar-ām ka.</i>	اگر من حسن را به خانه ببرم
<i>agar tə Hasan-ə bə-bar-āš ka.</i>	اگر تو حسن را به خانه ببری.
<i>agar a Hasan-ə bə-bar-ā ka.</i>	اگر او حسن را به خانه ببرد.
<i>agar ama Hasan-ə bə-bar-āmān ka.</i>	اگر ما حسن را به خانه ببریم
<i>agar šə ma Hasan-ə bə-bar-ārān ka.</i>	اگر شما حسن را به خانه ببرید.
<i>agar avun Hasan-ə bə-bar-āndə ka.</i>	اگر آنها حسن را به خانه ببرند.

برای منفی کردن، وند نفی- $m/-ma$ به جای وند وجه ظاهر می‌شود. در ماضی التزامی بین شکل منفی ساخت مضارع التزامی و اخباری تمایزی وجود ندارد. و به همین دلیل، استفاده از تکیه در آنجا ضروری به نظر می‌رسد، اما در مضارع تمنایی چنین ضرورتی احساس نمی‌شود:

<i>ma-gir-â-š</i>	نگیری
-------------------	-------

۴-۱۳-۳- مضارع التزامی (subjunctive present)

روش ساخت مضارع التزامی: وند تصریفی -(v)b + ماده مضارع + شناسه‌های اولیه در فعل‌های پیشوندی مضارع التزامی به جای پیشوند وجه از پیشوند فعلی استفاده می‌شود و تفاوت فعل پیشوندی مضارع اخباری با فعل پیشوندی مضارع التزامی در جای تکیه این دو فعل است، به این ترتیب که در مضارع التزامی پیشوندی، تکیه بر پیشوند فعلی و در مضارع اخباری پیشوندی، تکیه روی ماده مضارع است:

صرف فعل ناگذر

<i>bə-nəš-ə-m</i>	شاید بنشینم
<i>bə-nəš-i</i>	شاید بنشینی

bə-nəš-ə

شاید بنشینند

bə-nəš-am

شاید بنشینیم

bə-nəš-a

شاید بنشینید

bə-nəš-ən(də)

شاید بنشینند

صرف فعل گذرا

agar az Hasan-ə bə-bar-əm ka.

اگر من حسن را به خانه ببرم

agar təHasan-ə bə-bar-i ka.

اگر تو حسن را به خانه می‌بری.

agar a Hasan-ə bə-bar-ə ka.

اگر او حسن را به خانه می‌برد.

agar ama Hasan-ə bə-bar-am ka.

اگر ما حسن را به خانه می‌بریم

agar šəma Hasan-ə bə-bar-a ka.

اگر شما حسن را به خانه می‌برید.

agar avun Hasan-ə bə-bar-əndə ka.

اگر آنها حسن را به خانه بردند.

برای منفی کردن این ساخت وند نفی -(a)n قبل از مادهٔ مضارع می‌آید و فرقی بین فعل ساده و پیشوندی و ترکیبی نیست،

n-(h)ar-i

شاید نخوری

gaf nə'-zan-am

شاید حرف نزنیم

e-nə'-š-am

شاید پایین نرویم

۴-۱۳-۴ - مضارع مستمر (continuous present)

طرز ساخت مضارع مستمر: +kəra- مضارع اخباری

صرف فعل ناگذر

kəra nəš-əm

دارم می‌نشینم

kəra nəš-ai

داری می‌نشینی

kəra nəš-ə

دارد می‌نشیند

kəra nəš-am

داریم می‌نشینیم

kəra nəš-a

دارید می‌نشینید

kəra nəš-əndə

دارند می‌نشینند

صرف فعل گذرا

kəra bar-əm

دارم می‌برم

kəra bar-ai

داری می‌بری

kəra bar-ə

دارد می‌برد

kəra bar-am

داریم می‌بریم

kəra bar-a

دارید می‌برید

kərabar-əndə

دارند می‌برند

برای منفی کردن این ساخت وند نفی -(ə)n قبل از مادهٔ مضارع قرار می‌گیرد.

kəra nə-bar-əm

دارم نمی‌برم

kəra da-nə-kar-əm

دارم نمی‌پوشم

۴-۱۳-۵- ماضی ساده (simple past)

روش ساخت ماضی ساده: پیشوند فعلی یا پیشوند وجه + ماده ماضی + شناسه های ماضی

صرف فعل ناگذر

<i>bə-nəšt-i-m</i>	نشستم
<i>bə-nəšt-i-š</i>	نشستی
<i>bə-nəšt</i>	نشست
<i>bə-nəšt-i-mân</i>	نشستیم
<i>bə-nəšt-i-rân</i>	نشستید
<i>bə-nəšt-i-nd(ə)</i>	نشستند

صرف فعل گذرا

<i>manav ə-m bə-bard ka.</i>	من او را به خانه بردم
<i>tə av ə-r bə-bard ka</i>	تو او را به خانه بردی
<i>av ə av ə-š bə-bard ka</i>	او او را به خانه برد
<i>ama av ə-mân bə-bard ka</i>	ما او را به خانه بردیم
<i>š əma av ə-rân bə-bard ka</i>	شما او را به خانه بردید
<i>av ân av ə-š ân bə-bard ka</i>	آنها او را به خانه بردند

همانطور که ملاحظه می شود. فعل گذرا به صورت ارگاتیو صرف می شود.

در فعل های پیشوندی به جای وند وجه، از پیشوند فعلی استفاده می شود

وقتی که ماده، مختوم به همخوان باشد و شناسه هم با همخوان آغاز شود، یک واج میانجی بین ماده و شناسه قرار می گیرد:

<i>bə-nəšt-[i]-rân</i>	نشستید
<i>bə-xət-[i]-ndə</i>	خوابیدند

روش منفی کردن ماضی مطلق به این شرح است که به جای وند -b(v) از وند نفی -n(v) استفاده می شود:

منفی	مثبت	فعل ماضی
<i>nə-š-i-ndə</i>	<i>bə-š-ində</i>	رفتند/ نرفتند
<i>nə-vârd-ər</i>	<i>bârd-ər</i>	آوردی/ نیاوردی

وند نفی در فعل های پیشوندی بعد از پیشوند فعلی قرار می گیرد:

<i>e-nə-dâ-rân</i>	<i>e-dâ-rân</i>	دادید پایین/ ندادید پایین (د)
<i>pe-nə-diyašt-imân</i>	<i>pe-diyašt-i-mân</i>	بالا نگاه کردیم/ بالا نگاه نکردیم

در فعل های ترکیبی وند نفی قبل از ماده فعل اصلی قرار می گیرد

<i>sar- əm ba-nə-r vârd</i>	سر در نیاوردم
-----------------------------	---------------

۴-۱۳-۶- ماضی نقلی (perfect past)

در گویش درو ساخت های مختلفی از ماضی نقلی رایج است: ۱- ماضی نقلی ۲- ماضی نقلی ابعاد، ۳- ماضی نقلی غیرمحقق،

۴- ماضی نقلی بعید غیرمحقق.

۴-۱۳-۶-۱- ماضی نقلی

ماضی نقلی فعل‌های ناگذر به روش زیر ساخته می‌شود:
 ماضی نقلی ناگذر: صفت مفعولی + y + شناسه‌های ماضی

<i>nəšta-y-m</i>	نشسته‌ام
<i>nəšt-a-y-šš</i>	نشسته‌ای
<i>nəšt-a</i>	نشسته است
<i>nəšt-a-y-mân</i>	نشسته‌ایم
<i>nəšt-a-y-rân</i>	نشسته‌اید
<i>nəšt-a-y-ndə</i>	نشسته‌اند

ماضی نقلی گذرا

<i>manavə-m bard-a raz.</i>	من او را به باغ برده‌ام.
<i>tə avə-r bard-a raz.</i>	تو او را به باغ برده‌ای.
<i>avə avə-š bard-a raz.</i>	او او را به باغ برده است.
<i>ama avə-mân bard-a raz.</i>	ما او را به باغ برده‌ایم.
<i>šəma avə-rân bard-a raz.</i>	شما او را به باغ برده‌اید.
<i>avân avə-šân bard-a raz.</i>	آنها او را به باغ برده‌اند.

فعل‌های پیشوندی ماضی نقلی در ساخت تفاوتی با فعل‌های ساده ندارند و پیشوند فعلی قبل از صفت مفعولی ظاهر می‌شود:

e-šiya-y-mân

پایین رفته‌ایم

برای منفی کردن این ساخت وند نفی -ni در فعل‌های ناگذر قبل از شناسه و در فعل‌های گذرا بعد از ضمائر متصل

غیرفاعلی می‌آید:

nəšta-ni-mân

ننشسته‌ایم

vinda-rân-ni

ندیده‌اید

۴-۱۳-۶-۲- ماضی نقلی دور

این ساخت از گذشته‌ای بسیار دور حکایت می‌کند و علاوه بر معنا، نشان مخصوصی (*biya*) نیز دارد که قابل شناسایی است.

روش ساخت آن به شرح زیر است:

صفت مفعولی + *biya* (صفت مفعولی بودن) + y(e) + شناسه ماضی ← ماضی نقلی دور ناگذر

ماضی نقلی دور ناگذر

nəšta biya ym

نشسته بوده‌ام

nəšta biya yš

نشسته بوده‌ای

nəšta biya

نشسته بوده است

nāšta biya ymân
nāšta biya yrân
nāšta biya yindâ

نشسته بوده‌ایم
 نشسته بوده‌اید
 نشسته بوده‌اند

ماضی نقلی دور گذرا

manavə-m bard-biya raz.

من او را به باغ برده بوده‌ام.

tə avə-r bard-biya raz.

تو او را به باغ برده بوده‌ای.

avə avə-š bard-biya raz.

او او را به باغ برده بوده‌است.

ama avə-mân bard-biya raz.

ما او را به باغ برده بوده‌ایم.

šəma avə-rân bard-biya raz.

شما او را به باغ برده بوده‌اید.

avân avə-šân bard-biya raz.

آنها او را به باغ برده بوده‌اند.

اگر جمله مفعول نداشته باشد ضمائر غیر فاعلی بین ماده گذشته فعل و /-biya- می‌آیند.

pe-barda-mân biya

بلا برده بوده‌ایم

روش منفی کردن این ساخت: وند نفی -ni را بعد از *biya* می‌آورند:

hašta-r biya ni

نگذاشته بوده‌ای

۳-۶-۱۳-۴ ماضی نقلی غیر محقق

روش ساخت آن چنین است:

صفت مفعولی + نمودنمای *bay/ bey/ bâ* + شناسه ماضی ← ماضی نقلی غیر محقق ناگذر

صفت مفعولی + ضمائر شخصی + نمودنمای *bay/ bey/ bâ* ← ماضی نقلی غیر محقق گذرا

از دو قسمت این ساخت (شرط و جواب شرط) قسمت شرط همیشه ماضی نقلی غیر محقق است و قسمت جواب شرط همیشه

یا ماضی استمراری یا ماضی بعید است و از دو قسمت یکی همیشه منفی است:

xəta bay-mân, xasta nə-b-i-mâ

اگر خوابیده بوده‌ایم، خسته نمی‌شدیم (پس حتما نخوابیده‌ایم).

hab-əm harda na-bay, alân marda bi-m.

اگر قرص نخورده بوده‌ام، الان می‌مردم (پس قرص خورده‌ام).

نمودنمای تمنایی این ساخت -bay است. این فعل بر مفاهیمی چون شرط، آرزو، تاکید، حسرت و ... در ماضی دلالت می‌کند.

ماضی نقلی غیر محقق ناگذر

nāšta bay-m

اگر نشسته بوده‌ام

nāšta bay-š

اگر نشسته بوده‌ای

nāšta bay

اگر نشسته بوده‌است

nāšta bay-mân

اگر نشسته بوده‌ایم

nāšta bay-rân

اگر نشسته بوده‌اید

nāšta bay-indâ

اگر نشسته بوده‌اند

ماضی نقلی غیر محقق گذرا

manavə-m bard-bay raz.

من او را به باغ برده بودم.

tə avə-r bard-bay raz.

تو او را به باغ برده بودی.

avə avə-š bard-bay raz.

او او را به باغ برده بود.

ama avə-mân bard-bay raz.
šəma avə-rân bard-bay raz.
avân avə-šân bard-bay raz.

ما او را به باغ برده بودیم.
 شما او را به باغ برده بودید.
 آنها او را به باغ برده بودند.

اگر جمله مفعول نداشته باشد ضمائر غیر فاعلی متصل بین ماده گذشته فعل و /-bay-می آیند.
 اگر گرفته بوده‌ام *gata-m- bay*

فعل‌های پیشوندی هم، مانند فعل‌های ساده صرف می‌شوند: *pe-gata-r na bay, əški.*
 اگر بر نداشته بوده‌ای که می‌شکست (پس حتما برداشته‌ای)
 فعل‌های ترکیبی هم مانند ساده صرف می‌شوند:
 اگر نگه داشته بوده‌اید، نمی‌رفتند (پس حتما نگه نداشته‌اید).
qam-ə-rân harda bay, nə-š-ind.

روش منفی کردن این ساخت به این شرح است که وند نفی *n(a)* قبل از نمودنمای *bay* قرار می‌گیرد و قسمت بعدی (جواب شرط) هم، مطابق ساخت آن جمله (ماضی استمراری یا بعید)، منفی می‌شود:
 اگر ندویده بوده‌اید که عرق نمی‌کردید (پس حتما دویده‌اید که عرق می‌کنید).
vərīta na bay-rân, araq nə-kar-i-rân.

۴-۶-۱۳-۴ ماضی نقلی بعید غیرمحقق

این ساخت برای بیان عملی به کار می‌رود که در گذشته دور حتماً انجام نشده است و گوینده با آن نقل می‌کند از زمانی که آن کار انجام نگرفته است و این ساخت مانند ماضی نقلی غیرمحقق است. هدف از به کار بردن این ساخت اطمینان از عدم انجام عمل است. طرز ساخت آن چنین است:

صفت مفعولی + سوم شخص مفرد ماضی نقلی غیرمحقق فعل بودن ← ماضی نقلی بعید غیرمحقق
 ماضی نقلی بعید غیرمحقق ناگذر

nəšta biya bay-m
nəšta biya bay-š
nəšta biya bay
nəšta biya bay-mân
nəšta biya bay-rân
nəšta biya bay-ndə

(اگر) می‌نشسته بوده‌ام
 (اگر) می‌نشسته بوده‌ای
 (اگر) می‌نشسته بوده است
 (اگر) می‌نشسته بوده‌ایم
 (اگر) می‌نشسته بوده‌اید
 (اگر) می‌نشسته بوده‌اند

ماضی نقل بعید غیرمحقق گذرا

manavə-m bard-biya-bay raz.
tə avə-r bard-biya-bay raz.
avə avə-š bard-biya-bay raz.
ama avə-mân bard-biya-bay raz.

من او را به باغ می‌برده بوده‌ام.
 تو او را به باغ می‌برده بوده‌ای.
 او او را به باغ می‌برده بوده است.
 ما او را به باغ می‌برده بوده‌ایم.

šəma avə-rân bard-biya-bay raz.
avân avə-šân bard-biya-bay raz.

شما او را به باغ می‌برده بوده‌اید.
 آنها او را به باغ می‌برده بوده‌اند.

اگر جمله مفعول نداشته باشد ضمائر غیر فاعلی متصل بین ماده گذشته فعل و /-biya-bay- می‌آیند.
e-gata mân biya bay (اگر) می‌گرفته بوده‌ایم

روش منفی کردن آن همانند ماضی نقلی غیرمحقق است، وند نفی قبل از نمودنمای *-bay* می‌آید و تفاوتی بین فعل ساده و پیشوندی وجود ندارد:

davâ-š harda biya na bay, tâ həsâ marda b. (اگر) دارو نخورده می‌بوده، تا حال مرده بود.

۴-۱۳-۷- ماضی تمنایی (optative past)

این ساخت بیشتر برای بیان آرزو، خواست، دعا، شک، تردید، تمنا، نفرین و شرط به کار می‌رود. گاهی بین دو ساخت ماضی تمنایی و ماضی التزامی در معنا فرقی وجود ندارد و به جای هم به کار می‌روند.
 روش ساخت ماضی تمنایی (شرطی): صفت مفعولی + مضارع تمنایی فعل بودن ماضی تمنایی ناگذر

nəšta (bə) bām

nəšta (bə) bāš

nəšta (bə) bā

nəšta (bə) bāmân

nəšta (bə) barân

nəšta (bə) bând

نشسته باشم

نشسته باشی

نشسته باشد

نشسته باشیم

نشسته باشید

نشسته باشند

ماضی تمنایی گذرا

manavə-m bard-(bə) bā raz.

tə avə-r bard-(bə) bā raz.

avə avə-š bard-(bə) bā raz.

ama avə-mân bard-(bə) bā raz.

šəma avə-rân bard-(bə) bā raz.

avân avə-šân bard-(bə) bā raz.

من او را به باغ برده باشم.

تو او را به باغ برده باشی.

او او را به باغ برده باشد.

ما او را به باغ برده باشیم.

شما او را به باغ برده باشید.

آنها او را به باغ برده باشید.

اگر جمله مفعول نداشته باشد ضمائر غیر فاعلی متصل بین ماده گذشته فعل و /-bâ- می‌آیند.

vâta-m bə-bâ

گفته باشم

فعل پیشوندی و فعل ترکیبی هم مانند فعل ساده در این ساخت صرف می‌شود:

pe-gata-m bə-bâ

برداشته باشم

وند نفی این ساخت (ماضی تمنایی) *-ma* است.

منفی ماضی تمنایی

nəšta ma-b-â-m

فعل

ننشسته باشم

pe-gata-m ma-bâ

برنداشته باشم

۴-۱۳-۸- ماضی التزامی (subjunctive past)

روش ساخت ماضی التزامی: صفت مفعولی + (وند -b(v) +) مضارع التزامی از فعل «بودن»
ماضی التزامی ناگذر

<i>nəšta bə-bum</i>	شاید نشسته باشم.
<i>nəšta bə-b-i</i>	شاید نشسته باشی
<i>nəšta bə-bu</i>	شاید نشسته باشد
<i>nəšta bə-bam</i>	شاید نشسته باشیم
<i>nəšta bə-ba</i>	شاید نشسته باشید
<i>nəšta bə-bund</i>	شاید نشسته باشند

ماضی التزامی گذرا

<i>manavə-m bard-(bə)bu raz.</i>	من او را به باغ برده باشم.
<i>tə avə-r bard-(bə)bu raz.</i>	تو او را به باغ برده باشی.
<i>avə avə-š bard-(bə)bu raz.</i>	او او را به باغ برده باشد.
<i>ama avə-mân bard-(bə)bu raz.</i>	ما او را به باغ برده باشیم.
<i>šəma avə-rân bard-(bə)bu raz.</i>	شما او را به باغ برده باشید.
<i>avân avə-šân bard-(bə)bu raz.</i>	آنها او را به باغ برده باشند.

روش منفی کردن این ساخت، به این شرح است که وند نفی در ناگذر قبل از فعل معین، و در گذرا بعد از ضمایر متصل غیرفاعلی می‌آید:

<i>šâyad šiya nə-bu</i>	شاید نرفته باشد
<i>šâyad harda-rân nə-bu</i>	شاید نخورده باشید
	در افعال پیشوندی و ترکیبی وند نفی قبل از فعل معین می‌آید:
<i>šâyad ama e-karda- nə-bu</i>	شاید ما نریخته باشیم
<i>šâyad vâng-əš karda- nə bu</i>	شاید صدا نزده باشد

۴-۱۳-۹- ماضی بعید (past perfect)

ماضی بعید ناگذر به روش زیر ساخته می‌شود: صفت مفعولی + ماضی مطلق «بودن»
ماضی بعید ناگذر

<i>nəšta-bim</i>	نشسته بودم
<i>nəšta-biš</i>	نشسته بودی
<i>nəšta-bə</i>	نشسته بود
<i>nəšta-bimân</i>	نشسته بودیم
<i>nəšta-birân</i>	نشسته بودید
<i>nəšta-bində</i>	نشسته بودند

ماضی بعید گذرا به روش زیر ساخته می‌شود: صفت مفعولی + ضمایر متصل غیرفاعلی + سوم شخص مفرد ماضی مطلق «بودن»

<i>manavə-m bard-bə raz.</i>	من او را به باغ برده بودم.
<i>tə avə-r bard-bə raz.</i>	تو او را به باغ برده بودی.
<i>avə avə-š bard-bə raz.</i>	او او را به باغ برده بود.
<i>ama avə-mân bard-bə raz.</i>	ما او را به باغ برده بودیم.
<i>šəma avə-rân bard-bə raz.</i>	شما او را به باغ برده بودید.
<i>avân avə-šân bard-bə raz.</i>	آنها او را به باغ برده بودند.

فعل‌های پیشوندی ماضی بعید در ساخت هیچ تفاوتی با فعل‌های ساده ندارند و پیشوند قبل از صفت مفعولی ظاهر می‌شود:

e-ši [y]a bi-mân پایین رفته بودیم

فعل‌های مرکب در ساخت، تفاوتی با فعل‌های ساده ندارند، فقط جزء غیر فعلی به اول فعل مرکب اضافه می‌شود
 دست زده بودیم *das-əmân za b(ə)*
 نگه داشته بودند *qam harda-šan bə*
 برای منفی کردن در فعل‌های ساده: ، وند نفی-*n(ə)* قبل از فعل معین قرار می‌گیرد:

vinda-r nə-b(ə) ندیده بودی
e-ši [y]a nə-bi-mân نرفته بودیم پایین

در فعل‌های پیشوندی و مرکب چون وند نفی بعد از صفت مفعولی قرار می‌گیرد، هیچ تفاوتی با فعل‌های ساده ندارد.
 باز نکرده بودیم *â-karda-mân nə-b*
 دیرشان نشده بود *are-šan da-gənəsa nə-bə*

۴-۱۳-۱۰- ماضی بعید تمنایی (past perfect optative)

این ساخت آرزو، حسرت، تمنا و شرط را در ماضی بیان می‌کند. یک فعل تمنایی قبل از فعلی دیگر در گذشته دور انجام شده است و اثرش هم تا حال باقی نمانده است.

روش ساخت ماضی بعید (تمنایی):

صفت مفعولی + *biya* + ماضی ساده سوم شخص مفرد «بودن» + شناسه تمنایی ← فعل ناگذر

<i>nəšta biya b-âm</i>	اگر می‌نشسته بودم
<i>nəšta biya b-âš</i>	اگر می‌نشسته بودی
<i>nəšta biya b-â</i>	اگر می‌نشسته بود
<i>nəšta biya b-âmân</i>	اگر می‌نشسته بودیم
<i>nəšta biya b-ârân</i>	اگر می‌نشسته بودید
<i>nəšta biya b-ânda</i>	اگر می‌نشسته بودند

صفت مفعولی + ضمیر شخصی + $bâ + biya$ ← فعل گذرا

<i>manavə-m bard-biya-bâ raz.</i>	من او را به باغ می‌برده بودم.
<i>tə avə-r bard-biya-bâ raz.</i>	تو او را به باغ می‌برده بودی.
<i>avə avə-š bard-biya-bâ raz.</i>	او او را به باغ می‌برده بود.
<i>ama avə-mân bard-biya-bâ raz.</i>	ما او را به باغ می‌برده بودیم.
<i>šəma avə-rân bard-biya-bâ raz.</i>	شما او را به باغ می‌برده بودید.
<i>avân avə-šân bard-biya-bâ raz.</i>	آنها او را به باغ می‌برده بودند.

روش منفی کردن این ساخت همانند منفی کردن ساخت ماضی بعید است

xəta biya nə bâm

اگر نمی‌خوابیده بودم

gata-rân biya nə bâ

اگر نمی‌گرفته بودید

در فعل‌های ترکیبی جزء غیرفعلی به اول آن افزوده می‌شود و اگر متعددی باشد، ضمیر شخصی به آن متصل می‌گردد.

xəšk-ərân â-karda biya nə bâ

اگر خشک نمی‌کرده بودید

۴-۱۱-۱۳ ماضی استمراری (progressive past)

ماضی استمراری فعل ناگذر به روش زیر ساخته می‌شود: ماده مضارع + وند استمرار i + شناسه‌های ماضی. در گویش دروی از آنجا که ماضی استمراری از ماده مضارع ساخته می‌شود و فعل‌های مضارع در این گویش ساخت ارگتیو ندارند، ماضی استمراری نیز از چنین ساختی برخوردار نیست

گذرا	ناگذر	فعل
<i>bar-i-m</i>	<i>nəš-i-m</i>	می‌بردم / می‌نشستم
<i>vin-i-rân</i>	<i>š-i-rân</i>	می‌دیدید / می‌رفتید
<i>e-dâr-i-š</i>	<i>e-gən-i-š</i>	می‌انداختی / می‌افتادی
		ماضی استمراری ناگذر
<i>nəš-i-m</i>		می‌نشستم
<i>nəš-i-š</i>		می‌نشستی
<i>nəš-i</i>		می‌نشست
<i>nəš-i-mân</i>		می‌نشستیم
<i>nəš-i-rân</i>		می‌نشستید
<i>nəš-i-ndə</i>		می‌نشستند

ماضی استمراری گذرا

<i>az av bar-im raz.</i>	من او را به باغ می‌بردم.
<i>tə av bar-iš raz.</i>	تو او را به باغ می‌بردی.
<i>a av bar-i raz.</i>	او او را به باغ می‌برد.
<i>ama av bar-imân raz.</i>	ما او را به باغ می‌بردیم.
<i>šəma av bar-irân raz.</i>	شما او را به باغ می‌بردید.
<i>avə av bar-ində raz.</i>	آنها او را به باغ می‌بردند.

فعل‌های پیشوندی هیچ تفاوتی در ساخت با فعل‌های ساده استمراری ندارند، فقط پیشوند در اول ماده مضارع ظاهر می‌شود:

می‌رفتم *š-i-m* می‌رفتم بالا *pe-š-i-m*

برای منفی کردن فعل‌های ساده این ساخت وند نفی $n(\partial)$ به اول فعل افزوده می‌شود

نمی‌نشستم *nə-nəš-im*

نمی‌خوردیم *n-ar-imân* (* > *nə-har-iman*)

در فعل‌های ماضی استمراری پیشوندی، وند نفی بعد از پیشوند قرار می‌گیرد،

نمی‌گرفتم *e-gir-im*

ماضی استمراری فعل‌های ترکیبی نیز مانند فعل‌های ساده منفی می‌شوند

آتش نمی‌زدی *vaš-ər nə-za*

۴-۱۳-۱۲- ماضی استمراری تمنایی (progressive optative past)

این ساخت برای بیان عملی به کار می‌رود که در گذشته (به استمرار) می‌توانسته انجام شود، انجام نشده، یا نمی‌بایست انجام شود، انجام شده است. یک طرف آن (شرط یا جواب شرط)، همیشه ماضی استمراری است. در این ساخت ارگتیو وجود ندارد. در این ساخت، هم مانند ماضی استمراری، از ماده مضارع استفاده می‌شود. این فعل بر مفاهیمی چون شرط، آرزو، تاکید، حسرت و ... در ماضی دلالت می‌کند.

روش ساخت ماضی استمراری تمنایی: وند تصریفی $b(v)$ + ماضی استمراری

ماضی استمراری تمنایی ناگذر

bə-nəš-im

اگر می‌نشستم

bə-nəš-i-š

اگر می‌نشستی

bə-nəš-i

اگر می‌نشست

bə-nəš-i-mân

اگر می‌نشستیم

bə-nəš-i-rân

اگر می‌نشستید

bə-nəš-i-nda

اگر می‌نشستند

ماضی استمراری تمنایی گذرا

az av bə-bar-im raz.

من او را به باغ می‌بردم.

tə av bə-bar-iš raz.

تو او را به باغ می‌بردی.

a av bə-bar-i raz.

او او را به باغ می‌برد.

ama av bə-bar-imân raz.

ما او را به باغ می‌بردیم.

šəma av bə-bar-irân raz.

شما او را به باغ می‌بردید.

avə av bə-bar-ində raz.

آنها او را به باغ می‌بردند.

روش منفی کردن این ساخت به این شرح است که وند نفی (a) به جای (v) می‌نشیند،

ma-nəš-im

اگر نمی‌نشستیم

m-ar-irân (< *ma-har-irân*)

اگر نمی‌خوردید

فعل‌های ترکیبی هم مانند فعل‌های ساده صرف می‌شوند و وند نفی بعد از پیشوند فعلی می‌آید:

vâš-ma-zan-i-š

اگر آتش نمی‌زدی

pâ-ma-(v)ənder-i

اگر سر پا نمی‌ایستاد

۴-۱۳-۱۳- ماضی مستمر (past continuous)

طرز ساخت ماضی مستمر: نمودنمای *kərâ* + ماضی استمراری فعل اصلی.
در این ساخت فعل گذرا و ناگذرتفاوتی با هم ندارند.
ماضی مستمر ناگذر

<i>kərâ-nəš-i-m</i>	داشتم می نشستم
<i>kərâ-nəš-i-š</i>	داشتی می نشستی
<i>kərâ-nəš-i</i>	داشت می نشست
<i>kərâ-nəš-i-mân</i>	داشتیم می نشستیم
<i>kərâ-nəš-i-rân</i>	داشتید می نشستید
<i>kərâ-nəš-i-ndə</i>	داشتند می نشستند

ماضی مستمر گذرا

<i>az av kərâ-bar-im raz.</i>	من داشتم او را به باغ می بردم.
<i>tə av kərâ-bar-iš raz.</i>	تو داشتی او را به باغ می بردی.
<i>a av kərâ-bar-i raz.</i>	او داشت او را به باغ می برد.
<i>ama av kərâ-bar-imân raz.</i>	ما داشتیم او را به باغ می بردیم.
<i>šəma av kərâ-bar-irân raz.</i>	شما داشتید او را به باغ می بردید.
<i>avə av kərâ-bar-ində raz.</i>	آنها داشتند او را به باغ می بردند.

روش منفی کردن آن به این شرح است که *وند* نفی را قبل از ماده مضارع فعل می افزایند، به عبارتی دیگر، همانند ماضی استمراری منفی می شود:

<i>kərâ-nə-bar-i-mân</i>	داشتیم نمی بردیم
--------------------------	------------------

در فعل های پیشوندی *وند* نفی قبل از ماده فعلی می آید:

<i>kərâ-e-nə-gir-i-mân</i>	داشتیم نمی گرفتیم
----------------------------	-------------------

فعل های ترکیبی در ساخت ماضی مستمر، همانند ماضی استمراری صرف می شود و روش منفی کردن آنها هم، مانند فعل های ساده است، یعنی، *وند* نفی در آغاز ماده فعلی می آید.

۴-۱۴- فعل امر و فعل نهی

۴-۱۴-۱- فعل امر (imperative verb)

روش ساخت فعل امر: پیشوند تصریفی *b(v)* یا اشتقاقی + ماده مضارع + شناسه مضارع
فعل امر دو صیغه دارد: مفرد، که بدون شناسه است و جمع، که شناسه اش *a*- است:

معنی	مصدر	ماده مضارع	مفرد	جمع
افکندن	<i>avand-en</i>	<i>avan</i>	<i>b-avan</i>	<i>b-avan-a</i>
گرفتن	<i>e-gat-en</i>	<i>e-gir</i>	<i>e-gir</i>	<i>e-gir-a</i>

ماده هایی که با *v*- و *h*- آغاز می شوند، گاهی همخوان نخست خود را از دست می دهند و بعد از آن واکه پیشوند امر با واکه ماده ادغام می شود، در فعل نهی این همخوان برمی گردد
نمونه هایی از ماده آغاز شده با همخوان *v*-:

معنی	مصدر	ماده مضارع	فعل امر	فعل نهی
گفتن	<i>vât-en</i>	<i>vâj</i>	<i>b-âj (<bâ-vâj)</i>	<i>ma-vâj</i>
دیدن	<i>vind-en</i>	<i>vin</i>	<i>b-in (<bâ-vin)</i>	<i>ma-vin</i>

نمونه‌هایی از ماده آغاز شده با همخوان -h:

معنی	مصدر	ماده مضارع	فعل امر
برخاستن	<i>hašt-en</i>	<i>hayz</i>	<i>b-ayz (bâ-hayz)</i>
گذاشتن	<i>hašt-en/an</i>	<i>harz</i>	<i>b-arz (bâ-harz)</i>

به امر جمع فعل‌هایی که ماده مضارع‌شان مختوم به واکه باشد، هنگام پیوستن به شناسه جمع، یک واج میانجی -[y]- اضافه می‌شود و فرقی نمی‌کند فعل ساده یا پیشوندی باشد:

معنی مصدری	مصدر	ماده مضارع	فعل امر
نهادن	<i>nâ-n</i>	<i>na</i>	<i>bâ-na-[y]a</i>
دادن	<i>â-dâ-n</i>	<i>da</i>	<i>â-da-[y]a</i>

فعل‌های پیشوندی به جای پیشوند امر -b(v) از پیشوند فعلی استفاده می‌کنند:

معنی	مصدر	ماده مضارع	فعل امر
ریختن	<i>e-kard-en</i>	<i>e-kar</i>	<i>e-ka</i>
بیرون آوردن	<i>bar-vârd-en</i>	<i>bar-vâr</i>	<i>bar-vâ</i>

۴-۱۴-۲- فعل نهی

برای ساختن فعل نهی در فعل‌های ساده، فقط جای پیشوند امر با پیشوند نفی *ma-/m* عوض می‌شود، به عبارتی دیگر، به جای *ba-, bi-, bö-, bu-,* از *ma-* و به جای *b-* از *m-* استفاده می‌شود:

معنی	مصدر	فعل امر	فعل نهی
خوردن	<i>hard-en/an</i>	<i>b-(h)a(r)</i>	<i>m -(h)a(r)</i>
شمردن	<i>ašmard-en</i>	<i>b-ašma(r)</i>	<i>m-ašma(r)</i>

در فعل‌های پیشوندی، پیشوند نهی -*ma* بعد از پیشوند فعلی قرار می‌گیرد

معنی	مصدر	فعل امر	فعل نهی
ریختن	<i>e-kard-en</i>	<i>e-ka</i>	<i>e-ma-ka</i>

۴-۱۵-۱۵-۴- فعل‌های معین و شبه‌معین

۴-۱۵-۱- فعل معین (axillary verb)

bi-en/an «بودن» (معین)

فعل *bi-en* علاوه بر شکل پی‌بستی و ربطی، به عنوان فعل معین در صرف فعل‌های ماضی تمنایی، ماضی التزامی، ماضی بعید، ماضی بعید التزامی، ماضی بعید مستمر (تمنایی) و فعل‌های غیرشخصی استفاده می‌شود:

<i>nâšta-bâ-bum</i>	نشسته باشم	ماضی التزامی
<i>nâšta-(bâ-) bâm</i>	نشسته باشم	ماضی تمنایی
<i>nâšta-b-im</i>	نشسته بودم	ماضی بعید
<i>nâšta-biya-baym</i>	می‌نشسته بودم	ماضی بعید مستمر (تمنایی)

nāšta-biya-bə-bu-m

نشسته بوده باشم

ماضی بعید التزامی

bu-nāšt-en

می‌شود نشست

فعل‌های غیرشخصی

صرف ماضی مطلق فعل معین *bi-yen* به شرح زیر است:*b-im*

بودم

b-iš

بودی

b-ə

بود

b-imân

بودیم

b-irân

بودید

b-ində

بودند

۴-۱۵-۲- فعل‌های شبه‌معین

فعل‌های شبه‌معین فعل‌هایی همانند: «بایستن» و «توانستن» و «شایستن» هستند و معمولاً قبل از افعال دیگر به کار می‌روند و نظر گوینده را نسبت به وقوع فعلی که بعد از آنها می‌آید، نشان می‌دهند، به همین سبب وجه فعل بعد از خود را تغییر می‌دهند. این افعال معنی اصلی خود را از دست نمی‌دهند و هیچ‌گاه به تنهایی به کار نمی‌روند (نک: صادقی و ارژنگ، ۱۳۵۴: ۸۴).

فعل‌های شبه‌معین عبارتند از:

<i>šās(s)-en</i>	توانستن
<i>biri bi, basi</i>	بایستن
<i>pirāsen</i> و <i>xāssen</i>	آرزو داشتن
<i>bə-karə ma-karə nə-karə</i>	نکند/ بکند (مبادا، بادا)
<i>pe-gat-en</i>	شروع کردن برد/اشتن
<i>bu</i>	امکان داشتن

نتیجه‌گیری:

با توجه به اینکه اهمیت بیشتر زبان‌ها و گویش‌های ایرانی در حال انقراض هستند توصیف آنها از اولویتهای مطالعات زبانی است. یکی از این گویش‌ها گویش روستای درو است. درو یکی از روستاهای بزرگ بخش شاهرود خلخال است روستای درو در سی- کیلومتری جنوب شرقی خلخال قرار دارد. گویش درو (*Dərav*) از گویش‌های شمال غرب ایران است. و جزء گویش‌های آذری شمال شرقی محسوب می‌شود

فعل در گویش درو دارای مقوله‌های زیر است: شخص شمار، وجه، باب، نمود، گذر، زمان.

نشانه شخص و شمار در هر فعل همان شناسه فعل است که بیشتر همراه فعل می‌آید به جزء در مواردی که فعل دارای ساخت ارگاتیو است. در گویش درو وجه اخباری، امری، التزامی و تمنایی وجود دارد. وجه اخباری هفت مورد فعلی را شامل می‌شود. ماضی ساده، ماضی نقلی، ماضی بعید، ماضی استمراری، ماضی مستمر، مضارع اخباری و مضارع مستمر. وجه تمنایی پنج مورد را شامل می‌شود: ماضی استمراری تمنایی، ماضی تمنایی، ماضی نقلی غیرمحقق (تمنایی)، ماضی بعید نقلی تمنایی و مضارع تمنایی در این گویش ماضی التزامی، مضارع التزامی دارای وجه التزامی‌اند. و فعل امر و نهی در گویش درو دارای وجه امری هستند

در گویش درو فعل دارای نمودهای ساده، استمراری، نقلی و آغازی است. فعل‌های ماضی ساده، ماضی تمنایی، ماضی التزامی، مضارع اخباری، مضارع تمنایی، مضارع التزامی و فعل امر نمود ساده دارند. ساخت‌های مضارع مستمر، ماضی مستمر،

ماضی استمراری و ماضی استمراری تمنایی دارای نمود استمراری هستند. در نمود نقلی عمل فعل به طور کامل انجام گرفته و تمام شده است. نمود آغازی وند خاصی ندارد اما افعال شبه معین خاصی رایج اند که معنای آغازی را به فعل می افزایند. فعل ها در این گویش گذرا یا ناگذر و سببی هستند. ماضی گذرا در بیشتر زمان ها دارای ساخت ارگاتیو است. فعل سببی علاوه بر مفعول به متمم نیز نیاز دارد. ماده سببی بیشتر از ریشه قوی و در تعداد معدودی با ریشه ضعیف بعضی افعال ساخته می شود.

گویش درو دارای دو وجه معلوم و مجهول است. فعل معلوم نشانه خاصی ندارد. فعل مجهول با استفاده از ماده مجهول ساخته می شود. ماده مجهول از ترکیب ماده مضارع + وند خاص مجهول: *i-* ساخته می شود. برای ساختن مضارع مجهول، از ماده مجهول مضارع و شناسه های مضارع استفاده می شود. برای ساختن مجهول ماضی از وند تصریفی *-b(v)* به اضافه ماده مجهول مضارع و شناسه های ماضی استفاده می شود: در گویش درو فعل در دو زمان حال و گذشته صرف می شود. فعل های زمان حال با ماده مضارع صرف می شوند و فعل های زمان گذشته تعدادی با ماده ماضی صرف می شوند و تعدادی دیگر با ماده مضارع صرف می شوند. این گویش ساخت ویژه ای برای بیان آینده ندارد و از زمان مضارع اخباری برای بیان آینده استفاده می شود.

فعل «بودن» *bi-en/an* به عنوان فعل معین در صرف فعل های ماضی تمنایی، ماضی التزامی، ماضی بعید، ماضی بعید التزامی، ماضی بعید مستمر (تمنایی) و فعل های غیر شخصی استفاده می شود. فعل های شبه معین عبارتند از: *šās(s)-en* بایستن *bi, basi /biri* آرزو داشتن *pirāsen* و *xāssen* با دا *nā-karā ma-karā bā-karā* شروع کردن *pe-gat-en* امکان داشتن *bu*.

منابع فارسی:

- ۱- آرادگلی، م. (۱۳۴۹). بررسی واج شناسی گویش تاتی دهکده کجل خلخال، پایان نامه کارشناسی ارشد زبان شناسی همگانی، دانشگاه تهران.
- ۲- ابوالقاسمی، م. (۱۳۷۵). دستور تاریخی زبان فارسی، تهران: انتشارات سمت.
- ۳- _____ (۱۳۸۳). تاریخ زبان فارسی، تهران: انتشارات سمت.
- ۴- اشمیت، ر. (۱۳۸۳). راهنمای زبان های ایرانی ج ۲. آ بختیاری و دیگران (مترجم). تهران: ققنوس.
- ۵- اطلس گیتهانشناسی استانهای ایران (۱۳۸۷)، مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی.
- ۶- افشار، ا. (۱۳۶۸). زبان فارسی در آذربایجان، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- ۷- انوری، ح، احمدی گیوی، ح. (۱۳۷۰). دستور زبان فارسی، تهران، انتشارات فاطمی.
- ۸- باطنی، م. (۱۳۵۴). مسائل زبان شناسی نوین، تهران: انتشارات آگاه.
- ۹- پورداد، م. (۱۳۸۵). گویش تاتی از زبان آذری"، تهران: انتشارات هما.
- ۱۰- سامارین، و، زبان شناسی عملی (۱۳۸۹)، راهنمای بررسی گویش ها، ترجمه لطیف عطاری، انتشارات مرکز نشر دانشگاهی.
- ۱۱- سبزعلی پور، ج. (۱۳۸۶). ساخت ارگتیو در گویش تاتی خلخال، مجله ادب پژوهی، سال اول، شماره اول، صص: ۸۹-۱۰۵.
- ۱۲- _____ (۱۳۸۷). بررسی ریشه و ماده افعال در گویش های تاتی، تالشی و گیلکی، سال اول، شماره دوم، صص: ۶۲-۳۹.
- ۱۳- _____ (۱۳۸۸). بررسی تطبیقی ساخت فعل در گویش های تاتی، تالشی و گیلکی، پایان نامه دکتری، رشت: دانشگاه گیلان.
- ۱۴- _____ (۱۳۹۰). فرهنگ تاتی، رشت: فرهنگ ایلیا.
- ۱۵- کیا، ص. (۱۳۴۰). راهنمای گردآوری گویش ها، تهران: اداره انتشارات عامه.
- ۱۶- _____ (۱۳۴۱) فعل در زبان هرزی. نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، سال ششم، شماره ۶۳، ۴۵۳-۴۸۸.
- ۱۷- معراجی لرد، ج. (۱۳۸۸). فرهنگ موضوعی تاتی به فارسی، تهران، انتشارات هما.
- ۱۸- ناتل خانلری، پ. (۱۳۶۳). دستور زبان فارسی، تهران: انتشارات توس.

- ۱۹- وحیدیان کامیار، ت، عمرانی، غ. (۱۳۷۹). دستور زبان فارسی، تهران: انتشارات سمت.
 ۲۰- یحیی زاده، ا. (۱۳۸۲). بررسی زبان شناختی گویش تاتی خلخال، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.

منابع خارجی:

- 1- Paul, Ludwig (1998a). The position of Zazaki among West Iranian languages. In Proceedings of the 3rd European Conference of Iranian Studies, 11-15.09.1995, Cambridge, Nicholas Sims-Williams (ed.), 163-176. Wiesbaden: Reichert
 2- Payne.J, *Ergative Construction*(1993). In Encyclopedia of Iranica. Columbia: Columbia University.
 3- Yarshater, Ehsan,(1969),*A Grammar of Southern Tati dialect*, The Hague- Paris.
 4- Yarshater, Ehsan,(1959), *The Dialect of Shahrud*, BSOAS,22.
 5- -----,(1960), *The tati Dialect of Kajal*, BSOAS, 23.
 6- -----,(1987), Azari, the Old Iranian Language of Azerbaijan," Encyclopaedia Iranica, op. cit., Vol. III/2.



Surf and download all data from SID.ir: www.SID.ir

Translate via STRS.ir: www.STRS.ir

Follow our scientific posts via our Blog: www.sid.ir/blog

Use our educational service (Courses, Workshops, Videos and etc.) via Workshop: www.sid.ir/workshop